



## مرزهای اجتماعی-فرهنگی در شهر تهران؛ بررسی شرایط، شیوه مدیریت، و پیامدها\*

محمود شهابی<sup>۱</sup>، محمدعلی قائم‌پور<sup>۲</sup>

دریافت: ۱۳۹۶/۰۴/۱۹ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۲/۲۸

### چکیده

نظام تمایزگذاری و درجه‌بندی افراد در هر جامعه‌ای، فراگیر و گریزناپذیر است و معیارهای آن از جامعه‌ای به جامعه دیگر، متفاوت است؛ ازاین‌رو، این مقاله در پی آن است تا نشان دهد که شهروندان تهرانی در ارتباطات خود با دیگران چه موقع و چرا دست به مرزبندی می‌زنند؟ چه موقع و چگونه از این مرزها عبور می‌کنند؟ برای تعامل با یکدیگر و عبور از مرزهای فرهنگی از چه راهبردهایی استفاده می‌کنند؟ و چنین راهبردهای ارتباطی چه پیامدهایی دارند؟ یافته‌های این پژوهش مبتنی بر روش کیفی با راهبرد نظریه زمینه‌یابی است. حجم نمونه به روش نمونه‌گیری نظری و هدفمند شامل ۴۵ نفر بوده است. برای گردآوری داده‌ها از ابزارهای متفاوتی مانند مصاحبه، مشاهده، مشارکت، و... استفاده شد، ولی تمرکز اصلی بر مصاحبه عمیق بوده است. یافته‌ها به شیوه نسخه سیستماتیک نظریه زمینه‌ای، کدگذاری شدند و شرایط (علی، زمینه‌ای و مداخله‌گر)، راهبردها، و پیامدهای مربوط به مرزها و تردهای فرهنگی در شهر تهران، استخراج و تحلیل شده‌اند. مقوله هسته‌ای عبارت است از: «غلبه عناصر هویتی به‌وجودآورنده مرزها و تردهای فرهنگی». منازعه هویت‌ها موجب می‌شود که کنشگران، مجموعه راهبردهایی را برای تعامل با یکدیگر اتخاذ کنند که می‌توان آن‌ها را «روش دیپلماسی ارتباطی درون‌ملی» نامید. با به‌کارگیری این راهبردها توسط کنشگران در جریان غلبه عناصر هویتی، سه پیامد مهم بروز می‌کند که عبارتند از: ۱. آنومی، آسیب‌های اجتماعی، فرهنگی و فردی؛ ۲. چندفرهنگی؛ و ۳. شکاف فرهنگی.

**کلیدواژه‌ها:** مرزهای فرهنگی، مرزهای اجتماعی، تردهای فرهنگی، مرزهای افقی و عمودی، ارتباطات اجتماعی

\* این مقاله برگرفته از بخش کیفی رساله دکترا با عنوان «مرزها و تردهای فرهنگی در میان گروه‌های سبک زندگی در شهر تهران» در رشته جامعه‌شناسی فرهنگی دانشگاه علامه طباطبایی با نگارش محمدعلی قائم‌پور است.

۱. دانشیار رشته جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).  
[mshahabi88@gmail.com](mailto:mshahabi88@gmail.com) ✉

۲. دکترای جامعه‌شناسی فرهنگی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران.  
[M.Ghaempour@yahoo.com](mailto:M.Ghaempour@yahoo.com) ✉

## مقدمه

نظام تمایزگذاری و درجه‌بندی افراد در هر جامعه‌ای، فراگیر و گریزناپذیر است (لنسکی و لنسکی، ۱۳۷۴؛ وبر، ۱۳۸۴)، ولی اساس و معیار رتبه‌بندی و مرزبندی‌ها از جامعه‌ای به جامعه دیگر، فرق می‌کند (پارسونز، به نقل از: انصاری، ۱۳۷۸)؛ ازاین‌رو، پرسش اصلی این مقاله این است که «اساس مرزبندی و تمایزگذاری افراد و گروه‌ها در جامعه ایران و به‌ویژه در کلان‌شهر تهران چیست؟» این پرسش به این دلیل اهمیت می‌یابد که شواهد موجود از پیچیدگی نظام ارتباطی و تمایزگذاری در ایران و کلان‌شهر تهران در ابعاد مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، و فرهنگی حکایت دارد. در ادامه، به برخی از این موارد اشاره می‌کنیم:

الف) نتایج مطالعات و پژوهش‌های اقتصادی-اجتماعی نشان می‌دهد که پیروزی انقلاب اسلامی و شرایط جنگ و پسا‌جنگ در بروز و ظهور طبقات اجتماعی (بالا، متوسط، و پایین) و طبقه‌بندی گروه‌های شغلی، تأثیر بسزایی داشته است و در طول این چند دهه، موقعیت طبقات اجتماعی افراد جامعه با نظام اقتصادی و سیاسی، پیوند خورده بود (به‌عنوان نمونه ر. ک: بهداد و نعمانی، ۱۳۸۹؛ کشاورز، ۱۳۹۰؛ انصاری، ۱۳۷۸؛ بحرانی، ۱۳۸۸)؛

ب) همچنان نظام ارباب و رعیتی به‌عنوان یک عنصر فرهنگی در تعامل و نظام ارتباطی افراد جامعه ایران حضور دارد و براساس آن، افراد جامعه از یکدیگر مرزبندی و متمایز می‌شوند (رفیع‌پور، ۱۳۸۳)؛

ج) از انقلاب اسلامی تاکنون، شاهد نوع‌های جدیدی از مرزبندی‌ها و تمایزگذاری‌ها در میان افراد جامعه ایران به‌ویژه در شهر تهران بوده‌ایم که از نوع فرهنگی هستند. این نوع تمایزگذاری‌ها از ساده‌ترین موارد (غیرحساسیت‌زا) مانند نام‌گذاری فرزندان از نوع اسلامی، غربی، ایرانی، و ملی (جمشیدیها و دیگران، ۱۳۹۰)، شروع می‌شوند تا موارد حساسیت‌زایی مانند حجاب و پوشش زنان (خواجه‌نوری و دیگران، ۱۳۹۱)، گسترش نوع جدیدی از زندگی مشترک مانند هم‌خانه شدن دختر و پسر بدون ازدواج (آزادارمکی و دیگران، ۱۳۹۱؛ گلچین و صفری، ۱۳۹۶)، نقش ارزش‌های دینی و مذهبی در تعامل اجتماعی افراد با یکدیگر (زکی، ۱۳۸۷)، نگهداری حیوانات نجس‌العین در منزل، و سایر موارد مشابه، ادامه می‌یابند؛

د) توسعه شبکه‌های اجتماعی و ارتباطی و فضای مجازی سبب شکل‌گیری الگوهای سبک



فصلنامه علمی - پژوهشی

۱۳۴

دوره ۱۱، شماره ۲  
تابستان ۱۳۹۷  
پیاپی ۴۲

زندگی جدید و متفاوت از یکدیگری شد که به نوبه خود، تمایز آفرین هستند (به عنوان نمونه ر. ک: آزادارمکی و شالچی، ۱۳۸۴؛ رسولی و بی‌بک‌آبادی، ۱۳۹۰؛ شهایی، ۱۳۸۶ و ۱۳۸۷)؛

ه) رویارویی جامعه ایران با مدرنیته و شکل‌گیری لایه سوم هویت در کنار هویت‌های باستانی و اسلامی و تشدید این رویارویی با تأثیرپذیری از بزرگ‌ترین تحول سیاسی معاصر ایران، یعنی انقلاب اسلامی (اشرفی، ۱۳۸۷) موجب شد که میان ارزش‌های ایرانی، اسلامی، و غربی، کشمکش ایجاد شود و در نهایت، به شکل‌گیری هویت‌های چندگانه یا بحران هویت برای کنشگران اجتماعی در جامعه ایران (رهبری، ۱۳۸۵؛ بابایی‌فرد، ۱۳۹۲، ۱۴۳) بینجامد؛ بنابراین، هویت‌ها، ارزش‌هایی مانند طبقه و فرهنگ (برک<sup>۱</sup>، ۱۳۹۰، ۸)، سن و جنس، دودمان و نسبت (کالهن<sup>۲</sup>، ۱۳۸۹، ۱۸) و در مجموع، سبک زندگی (لامونت و مولنر<sup>۳</sup>، ۲۰۰۲) می‌توانند سبب شکل‌گیری هویت‌های جمعی و فردی فراوانی در هر جامعه‌ای شوند. به عبارت دیگر، «در گروه‌بندی گسترده انسان، انواع متعددی از هویت‌ها که افراد با آن شناسایی می‌شوند، وجود دارد» (لالر<sup>۴</sup>، ۱۳۹۳)، که به نوبه خود می‌تواند مرزبندی‌های فرهنگی و ارتباطی بین کنشگران اجتماعی را پیچیده یا دست‌کم، مبهم کند. خلاصه اینکه تعدد معیارهای مرزبندی‌های اجتماعی و فرهنگی در جامعه ایران و شواهد ارائه‌شده در بالا، این پرسش را پیش روی نویسندگان این مقاله قرار داد که «اساس مرزبندی و تمایزگذاری افراد در تعامل با یکدیگر در کلان‌شهر تهران چیست؟» از این رو این مقاله در پی آن است تا نشان دهد که گروه‌های سبک زندگی مختلف در شهر تهران در تعامل با یکدیگر چه موقع، کجا و چرا دست به مرزبندی می‌زنند؟ چه موقع و چگونه از این مرزها عبور می‌کنند؟ برای تعامل با یکدیگر و عبور از مرزهای فرهنگی از چه راهبردهایی استفاده می‌کنند و چنین راهبردهای ارتباطی چه پیامدهایی دارند؟

## ۱. پیشینه پژوهش

به‌طور کلی پژوهش‌هایی که به‌نوعی مرزها و تمایزهای اجتماعی-فرهنگی را بررسی کرده‌اند را می‌توان به چهار دسته تقسیم کرد: الف) پژوهش‌هایی که بر مفهوم «طبقه» و «قشربندی

1. Berque
2. Calhoun
3. Lamont and Molnar
4. Lawler



اجتماعی» متمرکز شده‌اند؛ ب) مطالعاتی که «مصرف فرهنگی» و «سبک زندگی» را محور تمایز و دسته‌بندی افراد قرار داده‌اند؛ ج) پژوهش‌هایی که به نقش دین در تمایزگذاری‌ها و مرزبندی‌ها یا سبک‌های زندگی پرداخته‌اند؛ و د) پژوهش‌هایی که بر تمایزهای هویتی و الگوی «خودی» و «غیرخودی» یا «ما» و «آن‌ها» تمرکز دارند. در ادامه به ترتیب، نمونه‌هایی از این پژوهش‌ها ارائه می‌شوند.

بحرانی (۱۳۸۸) در رساله دکترای خود نشان داد که با وقوع انقلاب اسلامی، ساختار قشر بالا که شاه و درباریان بود، به‌طور کامل فروریخت و تغییر اساسی در قشرهای بالای جامعه رخ داد و از آن پس، قشر بالا شامل بورژوازی دولتی (شرکت‌های دولتی، بنیادها، موقوفه‌ها، و بانک‌ها) و بورژوازی تجاری (تجار بازار، بازرگانان نوپدید، و بهره‌برداران بزرگ کشاورزی صنعتی) می‌شد. یافته‌های پژوهش یادشده نشان می‌دهد که با تأثیرپذیری از دوران سازندگی پس از جنگ و جهش صنعتی‌شدن، ساختار قشربندی اجتماعی ایران به شدت تغییر کرد. اگرچه ابعاد عمودی این ساختار (بالا، متوسط، پایین، و حاشیه‌نشینی) به قوت خود باقی ماند، اما با کم‌رنگ شدن و حذف ابعاد افقی (کوچرو، روستایی، و شهری) نظام سلسله‌مراتب قشربندی اجتماعی تاحدودی به‌گونه‌ای مشابه در کل کشور توزیع شد؛ به‌گونه‌ای که قشر متوسط و پایین، هریک به سنتی و جدید تقسیم شدند. در پژوهش ناییبی و محمدی تلور (۱۳۹۲) مشخص شده است که سبک‌های زندگی متفاوت با نظام قشربندی اجتماعی جامعه سنج همخوانی دارد؛ به‌عبارت دیگر، این پژوهشگران بر این نظرند که سبک زندگی به‌عنوان مبنای تمایز اجتماعی، کارکرد درونی دارد و افراد در درون نظام قشربندی برای متمایزسازی خود با توجه به جایگاه اقتصادی-اجتماعی‌شان از سبک‌های زندگی متفاوتی استفاده می‌کنند.

شهابی (۱۳۸۶) در پژوهش خود سه نوع سبک زندگی را برای جوانان، معرفی کرده است؛ نخست، سبک زندگی هم‌نوایان یا متعارف (متمرکز بر جامعه‌پذیری براساس مفاهیم و عناصر مورد توجه جامعه)، دوم، سبک زندگی جهان‌وطنانه (در این نوع سبک زندگی، افراد به‌دنبال لذت آتی، جست‌وجوی غیرمسئولانه لذت، هوس اجتماعی، مدگرایی، و ماجراجویی هستند)؛ و سوم، سبک زندگی بسیجی (اگرچه این سبک، وجوه مشترک زیادی با سبک زندگی متعارف دارد، اما به‌دلیل سازمان‌یافتگی و رابطه‌ی اعضای آن با نظام و نحوه برخورد با جوانان جهان‌وطن، از آن مقوله قابل تفکیک است).



آزادارمکی و شالچی (۱۳۸۴) در پژوهشی با عنوان «دو جهان ایرانی: مسجد و کافی‌شاپ» به این نتیجه رسیده‌اند که سبک زندگی اصول‌گرایی، از نشانه‌های هویت غربی دوری می‌کند، بر ارزش‌های اسلامی مبتنی بر فقاقت تأکید دارد، و از مواردی مانند ارتباط با نامحرم و مدگرایی، پرهیز می‌کند. در مقابل، سبک زندگی پسامدرن، به شیوه‌های مختلف زندگی مانند مدگرایی، گسترش ارتباط با جنس مخالف، و تأثیرپذیری از جریان‌های جهانی مصرف، گرایش دارد.

زکی (۱۳۸۷) با در نظر گرفتن ابعاد هفت‌گانه ارزش‌های آسیایی، در پژوهش خود نشان داده است که از میان این ارزش‌ها، تنها بعد ارزش‌های مذهبی، عامل تمایز بین دانشجویان دانشگاه اصفهان و دانشگاه آزاد اسلامی شهرضا بوده است و شش بعد دیگر در این زمینه، نقشی نداشته‌اند.

بورديو در کتاب «تمایز» خود که براساس یافته‌هایش در سال‌های ۱۹۶۳، ۱۹۶۷، و ۱۹۶۸ تدوین شد، در پی پاسخ به این پرسش بود که «چه تفاوتی بین ذائقه و سلیقه گروه‌های متفاوت و مصرف فرهنگی آن‌ها وجود دارد؟» او این تفاوت‌ها را در میان گروه‌های مختلف، از «مشروع‌ترین» حوزه‌ها مانند نقاشی یا موسیقی، تا «شخصی‌ترین» حوزه‌ها نظیر پوشاک، مبلمان، و حوزه‌های مشروع برحسب «تحصیلی» و «غیرتحصیلی» بررسی کرد و نشان داد که بین نوع مصرف و طبقه اجتماعی افراد، همخوانی وجود دارد (بورديو، ۱۳۹۳، ۳۷).

چاکسی<sup>۱</sup> (۱۳۹۰) در پژوهشی که مبتنی بر مشاهدات فردی و تحلیل سلسله‌متون مذهبی است می‌گوید، طبقه‌بندی همه‌چیز بر مبنای پاکی و نجاست، نظم و اغتشاش، قدسی و دنیوی، و زندگی و مرگ، با دیدگاه دینی دورکیم انطباق دارد. او با تکیه بر دیدگاه‌های گیرتز و نظریه نسبیت فرهنگی، استدلال کرده است که عقاید و اعمال آیینی، پدیده‌هایی هم فردی و هم جمعی هستند که باید در بستری از ارزش‌ها و معانی که مؤمنان به آن‌ها منتسب می‌کنند، بررسی شوند.

شوئرتون<sup>۲</sup> (۲۰۰۲) در پژوهشی به بررسی مرزبندی هویتی بین سه گروه از افراد در یک شهر جدید در جنوب انگلستان به نام «ییت<sup>۳</sup>» پرداخته است. این سه گروه، به‌خودی‌خود، سطح اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، و نقش تحرک جغرافیایی متفاوتی داشتند. دو گروه از این



1. Choksy  
2. Shoutherton  
3. Yate



سه گروه، در مقایسه با گروه سوم، وضعیت اقتصادی و قشربندی یکسان و در حد متوسطی داشتند و گروه سوم، مرتبه اقتصادی و پایگاه اجتماعی بالاتری داشت، اما در درون هر سه گروه، افرادی وجود داشتند که به لحاظ زمانی، زودتر از افراد درون گروه خود به شهر جدید «بیت»، مهاجرت کرده بودند. براساس همین امتیاز اقامت بیشتر و زودتر در این شهر، افراد در درون هر سه گروه به «ما» و «آنها» تقسیم می شدند.

در پژوهش دیگری (اچل<sup>۱</sup> و دیگران، ۲۰۰۶) در آمریکا، مشخص شد که در کنار تفاوت های قومی، نژادی، و طبقاتی، نوع دیگری از مرزبندی وجود دارد که جامعه آمریکا را به دو گروه «معتقد به خدا» و «منکر خدا»، «مذهبی» و «غیرمذهبی» و «خودی و غیرخودی» تقسیم بندی و مرزبندی می کند. از نظر این پژوهشگران، این نوع مرزبندی که عامل اصلی آن دین و مذهب است، در مقایسه با سایر تفاوت های قومی، نژادی، و طبقاتی یا قشربندی اجتماعی، به مراتب از شکاف فرهنگی عمیق تر و بزرگ تری برخوردار است.

در پژوهشی که در شهر «ماردین<sup>۲</sup>» ترکیه انجام شد (ساری<sup>۳</sup>، ۲۰۱۰) مشخص شد که مردم در این شهر چندفرهنگی (که مسلمان سنی مذهب، کاتولیک، آمریکایی، ترک، کرد، عرب، ارتودوکس، و... در آن زندگی می کنند) مرزهای فرهنگی خود را با توجه به تفاوت های فرهنگی تعیین می کنند. این تفاوت ها، خودساخته هستند و از مختصاتی مانند امکان جذب یا طرد، برخوردارند و با دو نوع دسته بندی روبه رو هستند: نخست، هویت های فرهنگی، و دوم، ارتباطات درون فرهنگی؛ این دو، موضوعاتی هستند که به یک ساخت سیاسی تبدیل شده و با قدرت، پیوند خورده اند. از نظر نویسنده، هویت های فرهنگی، ذاتی نیستند، اما ساخت سیاسی از طریق ارتباطات درون فرهنگی به آنها شکل داده است.

## ۲. چارچوب مفهومی

با توجه به هدف و روش پژوهش، در این بخش به منظور «ارتقای حساسیت های نظری» مورد نظر استراوس و کربین (۱۳۹۰، ۴۰) به اختصار و در حد لازم، بر مفاهیم مرتبط با موضوع مورد مطالعه متمرکز می شویم.

1. Edgell et al  
2. Mardin  
3. Sari

## ۲-۱. مرزهای اجتماعی و فرهنگی

تفاوت‌های فرهنگی بوآس<sup>۱</sup> (باشکو، ۲۰۰۴)، فاصله اجتماعی (بוגاردوس<sup>۲</sup>، ۱۹۳۳ و ۱۹۶۸) و فاصله فرهنگی (هافستد<sup>۳</sup>، ۱۹۸۳) از جمله مفاهیمی هستند که همواره برای سنجش تمایز بین افراد به کار می‌روند و متناسب با موضوع هر پژوهشی، کاربرد خاص خود را دارند و گویای درجه‌ای از مرزبندی هستند؛ از این رو، در این مقاله بر مفهوم «مرزبندی» که جامع‌تر است، متمرکز شده‌ایم. از نظر ولف<sup>۴</sup> (۱۹۹۹) در گذشته، مفهوم مرزبندی برای فرهنگ، از طریق منطقه جغرافیایی، مانند مرزبندی و خط‌کشی‌های شدیدی که در بازی بیلبارد وجود دارد، مفهوم‌سازی می‌شد، ولی در دوره جدید، لزوماً چنین نگاهی به مرزهای فرهنگی وجود ندارد، بلکه فرهنگ به عنوان مقوله‌ای که موجب ایجاد نظم مصنوعی می‌شود، نیاز به ممیزه‌هایی دارد تا از طریق اعمال جداسازی و تبعیض، افراد را از یکدیگر جدا کند (باومن، ۱۳۹۰، ۱۹۷). عده‌ای از جامعه‌شناسان، مرزبندی‌های موجود در یک جامعه را در قالب مفاهیمی مانند «مرزهای اجتماعی<sup>۵</sup>» و «مرزهای نمادین<sup>۶</sup>» (لامونت و مولنر، ۲۰۰۲)، «مرزهای عمودی<sup>۷</sup>» و «مرزهای افقی<sup>۸</sup>» (لنسکی و لنسکی، ۱۳۷۴) و سرمایه‌های مختلف (اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، و نمادین)، (بورديو، ۱۳۹۳) و هویت جمعی و فردی (تیلی<sup>۹</sup>، ۲۰۰۳) یا همان الگوی «ما» و «آنها» دسته‌بندی می‌کنند. لامونت و مولنر (۲۰۰۲) در مقاله‌ای، انواع مرزبندی‌های موجود در علوم اجتماعی را تشریح کرده‌اند. آن‌ها بین «مرزهای اجتماعی» و «مرزهای نمادین»، تفاوت قائل شده‌اند. از نظر آن‌ها، مرزهای اجتماعی، شکل‌های واضحی از تفاوت‌های اجتماعی هستند که در قالب مواردی مانند دسترسی و توزیع نابرابر منابع (مادی و غیرمادی، مستقیم و غیرمستقیم) و فرصت‌های اجتماعی، ظاهر می‌شوند و دارای الگوی رفتاری پایداری هستند که خود را در نظام ارتباطی و تعاملی نشان می‌دهند، ولی مرزهای نمادین، تمایزهای مفهومی‌ای هستند که توسط



1. Boas
2. Bogardus
3. Hofstede
4. Wolff
5. social boundaries
6. symbolic boundaries
7. vertical boundaries
8. horizontal boundaries
9. Tilly

بازیگران اجتماعی ساخته می‌شوند تا اشیاء، افراد، شیوه‌ها، و حتی زمان و فضا را طبقه‌بندی کنند. «مرزهای فرهنگی»، خطوط جداکننده و فاصله‌گذاری در خارج یا تغییرات در تاریخ نیستند، بلکه تفاوت‌های فرهنگی‌ای هستند که جمع‌ناپذیر و مسئله‌ساز هستند. افراد، از طریق مرزهای فرهنگی، ایده‌های خود را از بیگانه و غریبه جدا می‌کنند؛ به عبارت دیگر، مرزها، تفاوت «ما» و «دیگران<sup>۲</sup>» را نشان می‌دهند» (باشکو<sup>۳</sup>، ۲۰۰۴). افراد و گروه‌ها با مرزهای نمادین درگیر می‌شوند و می‌کوشند به کمک آن‌ها در مورد دسته‌بندی و طبقه‌بندی‌های افراد جامعه توافق کنند. اگر این توافق، شدید و عمیق باشد، از این پس، مرزهای نمادین می‌توانند به مرزهای اجتماعی تبدیل شوند (لامونت و مولتر، ۲۰۰۲).

## ۲-۲. تردهای فرهنگی

«تردد فرهنگی»، معادل واژه "cultural crossing" است. واژه "cross" در لغت به معنای «عبور کردن»، «دورگه»، «حد وسط»، «میانه»، «تنوع»، «ناپایدار» و «تغییرپذیری» است. اصطلاح تردهای فرهنگی در ادبیات پژوهش‌های فرهنگی، بی‌شبهت به معنای لغوی آن نیست. برخی به جای این مفهوم از مفهوم «شکستن مرزها<sup>۴</sup>» استفاده می‌کنند. براساس نظر بلومرت، اشتباه است که ارتباط بین فرهنگ‌ها را تنها به عنوان یک مسئله ناشی از تصادم فرهنگ‌ها و شکاف‌های فرهنگی، یا امری غیرعادی در نظر بگیریم. او استدلال می‌کند که «عادی نبودن<sup>۵</sup>» ارتباطات میان فرهنگی براساس یک نظریه نادرست و خشن بنا شده است که براساس آن، «فرهنگ» به عنوان یک عامل اصلی، درجه و ماهیت تفاوت‌ها در سبک‌های گفتاری را همه‌گیر و تشدید کرده است (بلومرت<sup>۶</sup>، ۱۹۹۸، ۳، به نقل از: کِکِزِکِز<sup>۷</sup>، ۲۰۰۴). به طور خاص، در ادبیات پژوهش‌های جامعه‌شناسی فرهنگی و مطالعات فرهنگی، مفهوم «تردد فرهنگی» با ایده «همه‌چیزخواری<sup>۸</sup>» منتسب به پترسون و کسانی که با او همسو هستند، شبیه‌سازی شده است (پترسون، ۲۰۰۵؛ برگمن و ایدک<sup>۹</sup>، ۲۰۰۹). براساس نظر این نویسندگان، همه‌چیزخواری



1. Own
2. other
3. bashkow
4. crossing bondrais
5. Abnormalization
6. Blommaert
7. Kecskes
8. omnivores
9. Berghman and Eijck



عبارت است از پیوند فرهنگ توده و فرهنگ والا. به عبارت دیگر، براساس این گفتمان، مرزهای فرهنگی بین طبقات بالا و پایین در مصرف فرهنگی شکسته می‌شود و «تردد فرهنگی» در میان آن‌ها رخ می‌دهد. تردد فرهنگی، مشابه مفاهیمی مانند «شکستن مرزهای اجتماعی و فرهنگی»، «پذیرش تنوع فرهنگی»، «پذیرش چندفرهنگی» و «همه‌چیزخواری» است. هرچند تردد فرهنگی بیشتر در مرزهای افقی رخ می‌دهد، اما در مرزهای عمودی نیز اتفاق می‌افتد. لامونت و مولنر (۲۰۰۲) گوشزد کرده‌اند که گاهی مرزها، خود عاملی برای تعامل و ارتباط هستند، زیرا در چارچوب همین مرزبندی‌ها می‌توان تعامل و ارتباط را تعریف و برقرار کرد. درحالی‌که مفهوم مرزهای فرهنگی، هویت‌های افراد را به «ما» و «آن‌ها» یا «خودی» و «غیرخودی» تقسیم‌بندی می‌کند، مفهوم تردد فرهنگی، تقسیم‌بندی‌های هویتی را کم‌رنگ، مقطعی، و سیال می‌کند.

### ۳. روش‌شناسی

یافته‌های این پژوهش، مبتنی بر دیدگاه تفسیرگرایی و روش نظریه‌زمینه‌یابی است. براین اساس، نمونه‌ها به شیوه نمونه‌گیری نظری و هدفمند انتخاب شده‌اند. ابتدا براساس مطالعات مقدماتی و ارزیابی‌های اولیه پژوهشگران، مصاحبه‌ها با افرادی که سبک‌های زندگی متفاوتی نسبت به هم داشته‌اند، آغاز شد. به تدریج، دامنه تنوع افراد و مصاحبه‌شوندگان از طریق مصاحبه‌شونده‌ها یا اطلاع‌رسانان دیگر، گسترش یافت و بدون هیچ محدودیتی، مصاحبه‌ها ادامه یافتند؛ تا اینکه در مصاحبه با نفر سی‌وهشتم، اشباع نظری به دست آمد، اما با توجه به کلان‌شهر بودن تهران، مصاحبه‌ها (به منظور افزایش اعتبار یافته‌ها) تا نفر چهل‌وپنجم ادامه یافتند. با توجه به اینکه یکی از راه‌های اعتباربخشی در نظریه‌مبنایی، «مقایسه دائمی داده‌ها با طبقه‌های ظهوریافته و نمونه‌گیری نظری گروه‌های مختلف برای حداکثرسازی شباهت‌ها و تفاوت‌ها بین اطلاعات به دست آمده است» (کرسول، ۱۳۹۴، ۴۰)، متون مصاحبه‌ها بارها مرور و بازبینی شدند و در چارچوب رویکرد کیفی که مصاحبه‌شوندگان به نوعی همکار پژوهشگر به شمار می‌آیند، از نظر برخی مصاحبه‌شوندگان که توانایی‌های خاص آن‌ها در طول مصاحبه‌ها برای پژوهشگران، قطعی شده بود، برای کدگذاری‌ها بهره بردیم.



#### ۴. یافته‌ها

پس از جمع‌آوری داده‌ها و انجام مراحل کدگذاری سه‌گانه (باز، محوری، و انتخابی) به روش نظریه مبنایی در مجموع، پنج محور شرایط (علی، زمینه‌ای، مداخله‌گر)، راهبردها، و پیامدها به دست آمد. مقوله هسته‌ای عبارت از «غلبه عناصر هویتی به وجود آورنده مرزها و تردهای فرهنگی» است. داده‌های میدانی نشان دادند که اعضای گروه‌های سبک زندگی در رویارویی با یکدیگر، سه نوع رفتار یا کنش از خود نشان می‌دهند: تحمل طرف مقابل، پذیرش و نادیده گرفتن برخی از خط قرمزها در تعامل با طرف مقابل، و در نهایت فاصله گرفتن از کنشگر مقابل و تعیین مرزبندی‌ها با «او» و «آن‌ها». مرزبندی و تردهای فرهنگی در سطوح فراوانی مانند ازدواج، ارتباط خانوادگی، دوست‌گزینی، همسایگی، هم‌محلگی، و نگرش‌ها بروز و ظهور می‌یابند. چه چیزی باعث می‌شود که بین دو گروه سبک زندگی، دو گروه اجتماعی، و دو فرد یا افراد، مرزهای ارتباطی به وجود آید، یا از این مرزها عبور شود؛ می‌توان پاسخ این پرسش را در شرایط و زمینه‌های علی یافت.

#### ۱-۴. شرایط علی

از نظر استراوس و کوربین، شرایط علی یا سبب‌ساز، معمولاً آن‌دسته از رویدادها و وقایع هستند که بر پدیده‌ها اثر می‌گذارند (استراوس و کوربین، ۱۳۹۴، ۱۵۶-۱۵۲). در این مطالعه، زمینه‌های علی، اصلی‌ترین علل و عواملی هستند که به‌طور مستقیم بر مرزبندی‌ها و تردهای فرهنگی در میان گروه‌های سبک زندگی در شهر تهران، تأثیر می‌گذارند.

جدول شماره (۱). زمینه‌های علی مرزها و تردهای فرهنگی در شهر تهران

مقوله محوری	مقوله‌های کلی (نوع مرزبندی)	مقوله‌های فرعی
زمینه‌های علی (اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی)	مرزهای عمودی (مرزهای اجتماعی)	رفت‌وآمد نکردن طبقات اجتماعی مختلف با یکدیگر، تلاش طبقه متوسط برای ارتباط با طبقه بالاتر و فاصله گرفتن از طبقه اجتماعی پایین، حسادت‌های زیرپوستی طبقه، خصومت طبقات اجتماعی با یکدیگر، خودکم‌بینی طبقه پایین، تحقیر طبقه پایین توسط طبقه بالاتر، احساس کسر شأن از سوی طبقه مرفه در تعامل با طبقه فقیر، ناهمگونی بین سبک‌های زندگی طبقات اجتماعی، ترجیح موقعیت طبقه اجتماعی بر اعتقادات دینی و سنتی در پیوند خانوادگی و...
	مرزهای افقی (مرزهای نمادین)	نوع حجاب، نحوه ارتباط با جنس مخالف، داشتن گیرنده تلویزیون ماهواره، شیوه استفاده از فضای مجازی، خمس، قومیت، داشتن حیوان نجس‌العین، نجس و پاک، شرکت کردن یا شرکت نکردن در مراسم جشن و مهمانی‌های مختلط و...



همان‌گونه که یافته‌های مصاحبه‌ای در جدول شماره (۱) نشان می‌دهند، مرزبندی موجود بین گروه‌های سبک زندگی و شهروندان تهرانی به دو دسته عمودی و افقی، یا اجتماعی و نمادین، قابل تقسیم‌بندی هستند؛ بنابراین، می‌توان نتایج زیر را استنتاج کرد:

۱. نه تنها «مرزهای اقتصادی-اجتماعی» همچنان در بین گروه‌های سبک زندگی موجود در شهر تهران وجود دارند و به قوت خود باقی هستند، بلکه چنین مرزبندی‌هایی، عمیق نیز هستند. زیرمقوله‌هایی که مرزهای اجتماعی و عمودی از آن تشکیل می‌شوند، در جدول شماره (۱) ارائه شده‌اند. در ادامه، به برخی از داده‌های پشتیبان در این باره اشاره می‌کنیم:

«دوست ندارم با کسی که وضعیت اقتصادی‌اش از ما بالاتر رفت و آمد کنم و از این بابت معذم» (شهرزاد).

«باکسی که طبقه اجتماعی‌اش پایین‌تر از من رفت و آمد نمی‌کنم، زیرا مانع رشد من می‌شود... سودی به من نمی‌رسد» (نیره).

به گفته خانم هدی، اگرچه برخی از مراسم عروسی و ختم که توسط طبقات اجتماعی متفاوت برگزار می‌شوند، دارای ظاهری یکسان هستند، اما شکاف طبقاتی عمیقی در باطن آن‌ها وجود دارد؛ «از قبیل ارائه نوع و سطح خدمات، کیفیت، و قیمت‌ها». همچنین، «یک مرفه مذهبی ترجیح می‌دهد با مرفه غیرمذهبی پیوند ازدواج داشته باشند، اما با فقیر مذهبی، خیر» (کدهای ۲۵ و ۱۵). به عبارتی، در مواردی مانند ازدواج، موقعیت طبقاتی بر اعتقادات دینی مقدم است.

۲. «مرزهای افقی و فرهنگی»، دومین مقوله محوری به دست آمده است که زیرمقوله‌های آن در ردیف آخر جدول شماره (۱) ارائه شده‌اند. در متن اصلی پژوهش، مشخص شد که هریک از این زیرمقوله‌ها به لحاظ رعایت کردن و نکردن و شیوه رفتار افراد نسبت به آن‌ها، موجب شکل‌گیری طیف‌هایی از سبک زندگی می‌شوند که می‌توانند مانعی برای پیوند ازدواج و رفت و آمد خانوادگی در میان گروه‌های سبک زندگی شوند. به عبارت دیگر، مرزهای افقی، ماهیت اجتماعی یافته‌اند. در ادامه، برخی از یافته‌های پشتیبان در این مورد ارائه می‌شوند:

«بین دو گروه متشرع و غیرمتشرع، پیوند خانوادگی و ازدواج شکل نمی‌گیرد، مگر به شکل موردی» (کدهای ۴، ۱۳، ۱۸، ۲۸، ۱۶)، «همین امشب، حاج آقا<sup>۱</sup> در مسجد گفتند: هم‌نشینی

۱. اشاره به شبی است که پژوهشگر با مصاحبه‌شونده در مسجد محل، مصاحبه کرد و پیش از این مصاحبه، روحانی مسجد، برای نمازگزاران سخنرانی کرده بود.





با کسانی که متشرع نیستند، دل را می‌میراند» (محمد)، عموماً مذهبی‌ها «ازدواج با غیرمذهبی را نمی‌پذیرند» (صابر، ملیحه، فاطمه، حمید) و «صد درصد گارد می‌گیرن» (زهره)، «نمی‌پذیرم کسی که سگ داره به خواستگاری دخترم بیاد» (فریدون). آقایان: حمید، محمد، امیر، و خانم فاطمه، تأکید کردند که با افرادی که خمس نمی‌دهند، پیوند ازدواج نخواهند داشت، اما برای ارتباط خانوادگی (رفت‌وآمد خانوادگی) مشکلی ندارند. شرکت در مراسم مهمانی، عروسی، و رفت‌وآمد خانوادگی، از موارد دیگری هستند که مرزهای فرهنگی در شهر تهران را بازتاب می‌دهند. در ادامه، به نمونه‌هایی از یافته‌ها در این باره اشاره می‌شود: «سر سفره کسی که سگ داره یا مشروب می‌خوره، نمی‌نشینم، حرامه» (شهرزاد)؛ «اصلاً به خونه‌ای که سگ دارن، نمی‌رم» (فاطمه)؛ «معمولاً ترجیح می‌دم [به عروسی متشرعین] نروم... به من خوش نمی‌گذره» (آتوسا)؛ «اگه بستگان همسر آینده‌ام، معتقد به شرع نباشن، ارتباطم را با آن‌ها کم می‌کنم» (حمید)؛ و «خانواده‌های غیرمذهبی از رفت‌وآمد با خانواده‌های مذهبی، احساس راحتی ندارند [چون] دائم باید خودشان را بپوشانند... [از طرفی] خانواده‌های مذهبی، به‌خاطر بچه‌هاشون و دور بودن از گناه [با غیرمذهبی‌ها] زیاد رفت‌وآمد نمی‌کنند» (سعیده).

۳. مجموعه گفته‌های مشارکت‌کنندگان، گویای این است که گروه‌های سبک زندگی در دو طرف طیف (متشرع و غیرمتشرع) نه تنها در سطح پیوند و رفت‌وآمد خانوادگی، مرزبندی فرهنگی دارند، بلکه در سطح دوستی شخصی نیز با مرزبندی روبه‌رو هستند. برخی از یافته‌های پشتیبان در این مورد به شرح زیر هستند:

صمیمی نبودن و دوست نبودن مذهبی‌های متشرع با غیرمتشرع مگر به سبب وظیفه دینی و تلاش برای جذب آن‌ها (حمید، محمد، و صادق)، «اگه مهمانی‌ای دعوت شوم که خیلی آدم‌های مذهبی باشند، واقعاً نمی‌رم، چون نمی‌تونم جایی بروم که همه چادر پوشیده باشن، اذیت می‌شوم» (زهره). داده‌های پشتیبان نشان می‌دهند که در میانه طیف (کمتر متشرع و غیرمتشرع معطف) مرزبندی‌ها کم‌رنگ می‌شوند و امکان تردهای فرهنگی در سطح دوستی، افزایش می‌یابد. البته «متشرعین هستند که در این باره نقش اساسی دارند، زیرا «بیشتر حق انتخاب با آن‌هاست که ببینند با ما راحتند یا نه» (سارا)، «معمولاً در دوستی‌های شخصی، هر دو

۱. واژه «گارد» به‌طور مکرر در میان صحبت مشارکت‌کنندگان مطرح می‌شد و می‌توان آن را مترادف با مفهوم «مرزها» در ادبیات ادبیات روزمره و عادی دانست.

گروه، رعایت حال یکدیگر را می‌کنند، مگر اینکه هر دو طرف، در انتهای طیف باشند؛ مثلاً یکی مذهبی قضاوتگر و آن دیگری هم تازه‌به‌دوران‌رسیده ناپذیرا باشد [به‌عنوان نمونه] من دوستی داشتم که نسبتاً مذهبی بود و با اکیپی از ما دوست بود که خیلی مذهبی نبودیم» (زهره). یا «یک خانم مذهبی که اصلاً متعصب نیست و ما به‌راحتی دعوتش می‌کنیم، کسی بهش نوشیدنی تعارف نمی‌کنه، او هم با کسی کار نداره» (آتوسا). همچنین، لیلا به‌عنوان یک خانم باحجاب و با نمادهای مذهبی گفت: «دوستی دارم که سگ دارن، در دوستی‌مون مشکلی به‌وجود نیامد، جز اینکه وقتی بخوام نماز بخونم، باید در خانه [خودم] بخونم و یا اینکه «مهر نماز» در خونشون پیدا نمی‌شه، [ولی قطعاً] با چنین خانواده‌ای وصلت نمی‌کنم»، «دوستی دارم که خیلی مذهبی نیستند، بیرون ۴ نفره [با همسران] می‌رویم، ولی به منزل هم، نه» (نسرین).

روی هم‌رفته، متلک نپراندن، پز ندادن، تحقیر نکردن، تعارف نکردن مشروب، و از سوی دیگر، امر به معروف و نهی نکردن، رعایت کردن شرایط خانوادگی و اعتقادات خانوادگی، احساس امنیت و در مجموع، حفظ احترام (هدی، ملیحه، زهره) از جمله مواردی هستند که موجب تعامل و تردد فرهنگی در میان افراد و گروه‌های سبک زندگی ای می‌شوند که در میانه پیوستار قرار دارند.

بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که مرزهای فرهنگی در سطح ازدواج، روابط خانوادگی، و دوستی میان دو طرف طیف (متشرع و غیرمتشرع) شدید است، اما در سطح دوستی، از شدت این مرزبندی برای کسانی که در میانه طیف قرار دارند، کاسته می‌شود و امکان تردد فرهنگی، افزایش می‌یابد. این تردد در حوزه عمومی و رسمی، بیشتر مشهود است.



شکل شماره (۱). مرزبندی و تردهای فرهنگی در سطوح مختلف



## ۲-۴. شرایط مداخله‌گر

شرایط دخیل یا مداخله‌گر، آن‌هایی هستند که شرایط علی را تخفیف یا به‌نحوی تغییر می‌دهند (استراوس و کوربین، ۱۳۹۴، ۱۵۶-۱۵۲). مواردی که در این پژوهش به‌عنوان شرایط مداخله‌گر تشخیص داده شدند، در جدول شماره (۲) ارائه شده‌اند.

جدول شماره (۲). تأثیر شرایط مداخله‌گر بر مرزبندی‌ها و تردهای فرهنگی در شهر تهران

مقوله‌های فرعی	مقوله‌های کلی	مقوله محوری
<p>زنان، به‌عنوان محور حجاب و عفاف، تفکیک جنسیت در مراکز آموزشی و حوزه عمومی، شرط حفظ شئون اسلامی در استخدام‌های دولتی، وضع قوانین برای جلوگیری از گسترش ابزار ترویج فرهنگ غرب، مانند تلویزیون‌های ماهواره‌ای و سگ‌گردانی، خلأهای قانونی جدید، نقش سیاست و سیاست فرهنگی در ایجاد مرزبندی‌ها، کنترل روابط جنسیتی و حجاب و عفاف</p>	<p>قوانین و سیاست‌های فرهنگی حفظ و تثبیت سنت و شرع</p>	<p>عوامل مداخله‌گر</p>
<p>جبران خلأ قانونی با فتوای شرعی، نقش فضای مجازی و رسانه‌های ارتباطی در ترویج روابط جنسی نامشروع، نقش تلویزیون‌های ماهواره‌ای و شبکه‌های اجتماعی در ترویج مصرف و سبک زندگی‌های جدید، قوانین بین‌المللی و حقوق بشر، ضعیف شدن اهرم‌های سنتی و مردسالاری به‌کمک پروفایل‌ها و فضای مجازی</p>	<p>عوامل تسریع‌کننده سبک‌های زندگی جدید و مدرن</p>	
<p>آگاهی نسلی و سنت‌زدایی، تغییر ذائقه نسل جدید حتی در میان مذهبی‌ها، تجدیدگرایی (سنت‌زدایی و شرع‌زدایی) در نسل جدید، مقاومت نسل قدیم در برابر سبک‌های زندگی جدید، تعامل فرهنگی و مرزشکنی در میان نسل جدید</p>	<p>تمایز و تفاوت‌های نسلی</p>	



فصلنامه علمی - پژوهشی

۱۴۶

دوره ۱۱، شماره ۲

تابستان ۱۳۹۷

پیاپی ۴۲

در بررسی مقوله «عوامل مداخله‌گر»، سه مقوله اصلی به‌دست آمد که عبارتند از: ۱. قوانین و سیاست‌های فرهنگی نگهدارنده سنت و شرع؛ ۲. عوامل تسریع‌کننده سبک‌های زندگی جدید و مدرن؛ و ۳. تفاوت‌های نسلی.

همان‌گونه که یافته‌های جدول شماره (۲) نشان می‌دهد، مقوله نخست، مجموعه‌ای از مقوله‌های فرعی و سیاست‌هایی هستند که سیاست‌گذاران فرهنگی به‌کمک آن‌ها می‌کوشند از پدید آمدن سبک‌های زندگی مدرن، به‌عنوان پیامدهای مدرنیته و صنعتی‌شدن، جلوگیری کنند و پایبندی به سنت و دین را در سبک زندگی افراد جامعه حفظ کنند.

مقوله اصلی دوم، مجموعه‌ای از مقوله‌هایی هستند که هم سبب سنت‌زدایی و شریعت‌زدایی می‌شوند و هم در شکل‌گیری گروه‌های سبک زندگی جدید، نقش تسریع‌کنندگی و مداخله‌ای دارند. هرچند تغییرات نسلی به‌خودی‌خود در تغییرات فرهنگی نقش‌آفرینی می‌کنند و مقوله‌های فرعی مربوط به خود را دارند، اما مقوله دوم، به‌نوبه خود بر مقوله سوم، یعنی تمایزهای نسلی، تأثیرگذار هستند، زیرا عوامل تسریع‌کننده سبک‌های زندگی جدید، از یک‌سو با «سیاست‌های فرهنگی» مطرح در مقوله نخست به تقابل می‌پردازند، مرزهای فرهنگی موجود را به‌چالش می‌کشند، کنشگران امروزی را وادار می‌کنند که از مرزهای فرهنگی موجود عبور کنند و خودشان مرزبندی‌های جدیدتری مانند «سنتی و مدرن»، «افراطی و منعطف» و سایر موارد مشابه را پدید می‌آورند، و از سوی دیگر، با تأثیرگذاری بر نسل، نسل جدید را به یک واسطه و عامل برای پذیرش تغییرات فرهنگی جدید تبدیل می‌کنند. بخش عمده داده‌های پشتیبان، به مقوله اصلی دوم از نوع قوانین و سیاست‌های فرهنگی ساری و جاری در جامعه فعلی ایران مربوط می‌شوند که در ردیف سوم جدول شماره (۲) به آن‌ها اشاره شده است.

در مورد مقوله سوم (تفاوت نسلی)، به‌عنوان نمونه، کدهای ۴ و ۱۷ اذعان کرده‌اند که با دوستان و هم‌نسلی‌های خودشان که از گروه سبک زندگی دیگری (مدرن و غیرمذهبی) هستند، ارتباط راحتی دارند، با آن‌ها رفت‌وآمد دوستانه دارند، در برنامه‌ها و مهمانی‌های دوستانه آن‌ها شرکت می‌کنند، اما آن‌ها نمی‌توانند به منزل یکدیگر بروند، زیرا سبک رفتار و پوشش آن‌ها با ارزش‌های خانواده‌هایشان (پدر، مادر، و...) متفاوت است. همچنین، کد ۲۰ بیان کرد که خودش سبک زندگی غیرمذهبی‌ای دارد و بقیه اعضای خانواده‌اش، سبک زندگی مذهبی و متشرع دارند.

### ۳-۴. زمینه‌ها

شرایط زمینه‌ای، مجموعه خاصی از شرایط (شکل‌های شرایط) هستند که در یک زمان و مکان خاص جمع می‌شوند تا مجموعه اوضاع و احوال یا مسائلی را به‌وجود آورند که اشخاص با عمل یا تعامل‌های خود به آن‌ها پاسخ دهند (استراوس و کوربین، ۱۳۹۴، ۱۵۶-۱۵۲). براین اساس، یافته‌هایی که این ویژگی‌ها را داشتند، در شرایط زمینه‌ای گنجانده، تعریف، و در جدول شماره (۳) ارائه شده‌اند.



جدول شماره (۳). شرایط زمینه‌ای مرزها و ترددهای فرهنگی در شهر تهران

مقوله‌های اصلی	مقوله‌های فرعی	مقوله محوری
ارزش‌های سنتی و دینی	قومیت/گفتمان‌های دینی و انقلابی/جنسیت و مردسالاری	زمینه‌های شکل‌گیری مرزها و تردد فرهنگی
سنت‌زدایی و شرع‌زدایی (تجددگرایی)	تابوشکنی در رابطه با جنس مخالف/کاهش تعصب‌های خانوادگی/کاهش مشرعین/کاهش روابط سنتی/کاهش اهمیت فرزندآوری نسبت به گذشته/ کاهش قبح طلاق در بین بخشی از جامعه/افزایش ارتباط نامشروع بین زوجین مطلقه پس از طلاق/ ازدواج‌گزیزی	
تکنولوژی	تکنولوژی و تجددگرایی/تکنولوژی و مصرف	
مصرف‌گرایی	مصرف و زیبایی‌طلبی به‌مثابه ویژگی زنانه/مصرف‌گرایی، زمینه‌ساز ازدواج‌گزیزی/عمل زیبایی به‌مثابه نیاز اولیه/بالا بودن مصرف و نمایش مصرف در مراکز خرید مدرن/شی‌وارگی و بت‌انگاری کالا (براساس دیدگاه مارکس)/مصرف بالا و همه‌چیزخواری	



در بخش بیان مسئله مطرح شد که مرزبندی‌ها و ترددهای فرهنگی جدید مشاهده شده در میان گروه‌های سبک زندگی، بیشتر مربوط به پس از پیروزی انقلاب اسلامی است و حوادث مترتب بر آن، مانند جنگ هشت‌ساله ایران و عراق و ارزش‌های برخاسته از آن، زمینه‌ساز بروز و ظهور این تفاوت‌ها و مرزبندی‌ها به شکل ملموس‌تری شده است. به‌اعتبار زمان، این زمینه، یک زمینه نزدیک است، اما زمینه‌های دورتری وجود دارد که خود، زمینه‌ساز انقلاب اسلامی ایران بودند و آن، تعارض مدرنیته و سنت از آغاز ورود ایده صنعتی شدن و مدرنیزاسیون به ایران است. بسترهای دینی، سنت، قومیت، و مردسالاری، از جمله زمینه‌های فرهنگی دور دست و قدیمی‌تر هستند که مرزهای فرهنگی کنونی را آبیاری کرده و قوام می‌بخشند. مجموعه این زمینه‌های دیرین با گفتمان انقلاب اسلامی تنومندتر و به عرصه عمومی زندگی، وارد شده‌اند. براساس یافته‌های پژوهشی، مرزهای ارتباطی، تعامل میان افراد، تابوها، و نمادهای مربوط به آن‌ها، بیشتر در زنان بازتاب می‌یابند. به عبارت دیگر، بسیاری اوقات، به حکم نظام مردسالاری، زنان، محور مرزبندی‌ها هستند. بسترهای دینی، سنت، و قومیت، به مردسالاری قوام بیشتری داده‌اند و منبعی برای جهت‌گیری سیاست‌های فرهنگی فعلی و آبخشور نقش مداخله‌ای سیاست و سیاست‌های

۱. در ادبیات ایرانیان از اصطلاح جنگ کمتر استفاده می‌شود و به دلیل تحمیل شدن جنگ بر ایران، بیشتر از آن با عنوان دفاع مقدس یا جنگ تحمیلی یاد می‌کنند.





فرهنگی در کنترل، تثبیت، یا به‌چالش کشیدن سبک‌های زندگی موجود در شهر تهران شده‌اند. خلاصه اینکه زمینه‌های فرهنگی دور و نزدیک با زمینه‌های طبیعی (مانند علاقه زنان به مصرف‌گرایی و تمایز طلبی در زیبایی از طریق مصرف فرهنگی و مصرف که خود، محصول مردسالاری است) و زمینه‌های دیگر (مانند پیامدهای فناوری و تغییرات جهانی) درآمیخته‌اند. حاصل این آمیختگی، ایجاد زمینه‌های علی و شرایط مداخله‌ای بوده است.

یافته‌ها نشان می‌دهند که موارد فراوانی مانند ازدواج‌گریزی، ارتباط پس از طلاق، تابوشکنی، و... سبب شرع‌زدایی و سنت‌زدایی شده‌اند. برخی از مشارکت‌کنندگان در پژوهش در این مورد اظهار داشته‌اند: «الآن «نرم» شده که تو [با جنس مخالف] رابطه داشته باشی» (کد ۲۲) تا جایی که از نظر برخی‌ها «همه‌چیز مجاز است، با یک تبصره [و آن، اینکه] بدانید چکار دارید می‌کنید» (کد ۲۷)، «دیگر این قدر این قضیه [رابطه با جنس مخالف]... کم کم داره [ارتباط و رابطه جنسی با متأهل] عادی می‌شه» در حدی که «انعطاف [جنسی] در پایتخت به سمت تنوع طلبی می‌ره، طلاق رفته بالا و دلیلش اینه که روابط موازی<sup>۲</sup> رفته بالا» (کد ۶)، در نتیجه یک جوان مجرد می‌گوید: «برای چه... زیر بار مسئولیت بروم، وقتی از راه دوستی می‌تونم همه چیز [در مورد نیاز جنسی] را برآورده بکنم» (کد ۲۹)، نهایتاً به شرع معتقد باشد، «صیغه عقد موقت را می‌خونه» (کد ۱۵). عده‌ای نیز ممکن است به دلیل وضعیت بد اقتصادی (کدهای ۱۷، ۱۸) یا رفاه اقتصادی (کدهای ۱۷، ۱۸، ۱۹ و ۲۸) تن به ازدواج ندهند. یافته‌ها نشان می‌دهند که مدیریت بدن، شاخص مهمی برای مصرف‌گرایی و زمینه‌ساز تمایز افراد با یکدیگر، به‌ویژه در بین زنان، است. از نظر برخی از مشارکت‌کنندگان، عمل زیبایی با اهداف کلاس گذاشتن و چشم‌وهم‌چشمی همراه است (کدهای ۴، ۲۵، ۳۸، ۴۰، ۴۳) تا جایی که «برخی از طبقه پایین به‌عنوان نیازمند از دیگران پول می‌گیرن و بعد، صرف عمل زیبایی می‌کنن (کد ۲۵)؛ به‌عنوان نمونه، «یک کارمندی داشتیم که پاداش و سنواتش را گرفت و بینی‌اش را عمل کرد، درحالی‌که مادرش به این پول، برای درمان، نیاز بیشتری داشت» (کد ۲۰)، از نظر برخی دیگر، «عمل زیبایی، دخل و تصرف در خلقت خداست و جایز نیست» (کد ۲۴)، «برخی از مذهبی‌های مرفه را دیدم که عمل پیکرتراشی انجام

#### 1. norm

۲. اصطلاح روابط موازی در گفته‌های مصاحبه‌شوندگان دیگر نیز به‌کار رفته است و منظورشان این است که یک فرد متأهل در کنار رابطه جنسی رسمی با همسر خود، با فرد یا افرادی به‌غیر از همسرش نیز رابطه جنسی داشته باشد. این اصطلاح، بیشتر در ادبیات تحصیلمکرده‌ها کاربرد دارد، به‌ویژه کسانی که به مباحث زنان می‌پردازند. از سوی زوجین پذیرفته می‌شود و در نگاه برخی با مفهوم خیانت فرق می‌کند.

می‌دن با این توجیه که شوهرم این‌گونه دوست داره» (کد ۲۰)، «خیلی‌ها که عمل زیبایی انجام می‌دن، به دلیل نداشتن اعتماد به نفس» (کد ۲۵)، «به‌نظم عمل زیبایی، واقعاً اعتماد به نفس را بالا می‌بره» (کد ۲۴)، «برخی از زنان از دریچه چشم مردان، تن به عمل زیبایی می‌دن... می‌گن با ازدواج کردن مخالفند، ولی به امید ازدواج، تن به جراحی زیبایی می‌دن» (کد ۲۶).

بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که انگیزه عمل زیبایی (به‌لحاظ انجام دادن یا ندادن) از جنبه‌های مختلف اعتقادی (شرعی)، شخصیتی (نداشتن اعتماد به نفس یا کسب آن و چشم‌وهم‌چشمی)، روانشناختی (گرایش زنان به زیبایی‌طلبی و خودنمایی) و فرهنگی (نظام مردسالاری) قابل تحلیل و تفسیر است.

#### ۴-۴. کنش متقابل و راهبردها

عمل یا تعامل / کنش متقابل، اصطلاحاتی هستند که استراوس و کوربین برای اشاره به تاکتیک‌های راهبردی و شیوه‌های رفتاری عادی یا معمولی و چگونگی مدیریت موقعیت‌ها توسط افراد در رویارویی با مسائل و امور، به‌کار برده‌اند (استراوس و کوربین، ۱۳۹۴، ۱۵۶-۱۵۲)؛ از این رو، در این پژوهش این پرسش مطرح شد که افراد، گروه‌ها، و کنشگران اجتماعی در میان این همه تفاوت، دوگانگی، یا چندگانگی، برای ارتباط و تعامل با یکدیگر چگونه عمل می‌کنند و چه راهبردهایی را در این مورد اتخاذ می‌کنند.

جدول شماره (۴). راهبردهای کنش و تعامل در مرزها و تردهای فرهنگی در شهر تهران

مقوله محوری	مقوله‌های اصلی
راهبردها در تعامل	عمل به توصیه‌های دین
	درایت و سیاست‌های طبقه‌ای
	مهارت‌های زنانه و جنسیتی
	شفافیت و صراحت در تعیین مرزهای ارتباطی و فرهنگی
	مدیریت فضا و مکان
	اطلاع‌رسانی و گفت‌وگو
	پنهان‌کاری در روابط جنسی
	دستیابی‌های غیررسمی به روابط جنسی
	دور زدن قانون
	راه‌های حفظ تمایز و نمایش مصرف





در جدول شماره (۴) راهبردهایی که گروه‌های سبک زندگی مختلف برای تعامل با یکدیگر اتخاذ می‌کنند، ارائه شده‌اند. براساس یافته‌های پژوهش، راهبردهای مربوط به مدیریت زمان و مکان برگزاری مراسم مهمانی و جشن‌ها را می‌توان به پنج دسته تقسیم کرد: (۱) مدیریت زمان و مکان به‌طور فردی؛ (۲) تفکیک و تعریف موقعیت‌های مکانی در یک زمان؛ (۳) تفکیک زمان‌بندی در یک مکان؛ (۴) تفکیک دو محل و دو زمان متوالی؛ (۵) تفکیک مکان‌ها در دو زمان متفاوت. در ادامه، به نمونه‌هایی از داده‌های پشتیبان می‌پردازیم. ترک کردن بخشی از مراسم عروسی (برای مثال، زمان پخش موسیقی، ورود داماد یا فیلم‌برداری به قسمت بانوان، و...) و بازگشت دوباره در هنگام شام و پایان یافتن فیلم‌برداری یا موسیقی) (محمد، خدیجه، حمیده، ندا، و کدهای م-غ)، دعوت کردن مذهبی‌ها در بخش پایانی عروسی و وقت شام (کد مپ<sup>۱</sup>)، نشستن در یک گوشه و وارد نشدن در قسمت‌های خاص [سرو مشروبات و رقص] (اشرف)، برگزاری مراسم عروسی در دو زمان متفاوت، یک زمان رسمی و بدون اختلاط زن و مرد و برگزاری دوباره در یک زمان دیگر و مکان دیگر به‌صورت مختلط (سارا، فاطمه، زهره)، از جمله راهبردهایی هستند که افراد متعلق به سبک‌های زندگی مختلف برای حفظ ارتباط فAMILI، خویشاوندی، و دوستی اتخاذ می‌کنند. راهبردهای «شفافیت» و «اطلاع‌رسانی»، پیچیدگی کمتری دارند. کد ۲۸ می‌گوید: «اعتقاداتم را با سختی به‌دست آوردم... بعدش دیگه [برای حفظ آن‌ها] مقاوم و صریح‌الهیجه بودم». کد ۲۹ می‌گوید: «اصلاً [در عروسی مختلط] شرکت نمی‌کنم، همه هم این را می‌دونن». در مورد راهبرد اطلاع‌رسانی، کد ۱۶ می‌گوید: «الآن مد شده... روی کارت عروسی می‌نویسند، موسیقی داریم» یا از طریق تلگرام اطلاع‌رسانی می‌شود که «با خودتون کفش [مجلسی] بیارین یا ورود به منزل با کفش، اشکال داره یا نداره؟» (نازی). مواردی که به راهبرد دور زدن قانون اشاره دارند عبارتند از: «عده‌ای می‌خوان عروسی مختلط داشته باشن [اما چون] از لحاظ قانونی مشکل دارن، ترجیح می‌دن در پارکینگ خونه‌شون برگزار کنند» (هدی)، تا از این طریق، قانون منع اختلاط زن و مرد را دور بزنند. راهبرد پنهان‌کاری و «دستیابی غیررسمی و پنهان» از جمله راهبردهایی هستند که افراد برای داشتن روابط جنسی غیررسمی به‌کار می‌گیرند تا در جامعه طرد نشوند؛ برای نمونه، «معمولاً آقایون، شماره تماس خانم‌هایی که عقد موقت می‌شوند را از دوستان مورد وثوق خود

۱. منظور از این کد، مشاهده عینی پژوهشگر است.



یا از دفاتر ازدواج و طلاق که اطلاعاتی راجع به خانم‌های مطلقه دارند، به دست می‌آورند و افرادی که به دنبال هم‌خانه یا ازدواج سفید هستند، از فضای مجازی استفاده می‌کنند (حمید و کد م.غ). در نهایت، راهبرد حفظ تمایز و نمایش مصرف، بیشتر توسط طبقه فقیر یا متوسط اتخاذ می‌شود و در عمل، طبقه مرفه یا متوسط روبه‌بالا، نیازی به اتخاذ این راهبرد ندارند. کد ۲۶ می‌گوید: «افرادی را می‌شناسم که لباس‌های مد روز و برند را به یکدیگر قرض می‌دن یا قرض می‌گیرن تا در مجالس و در جمع، خودشون رو متمایز و متفاوت نشون بدهند». او می‌افزاید: «افرادی هستند که درصدد جمع و افزایش دارایی نیستند، در عوض، خوب مصرف می‌کنند (رفتن به بهترین سفرها، بهترین رستوران‌ها، بهترین هتل‌ها، بهترین تفریح و دکوراسیون شیک و اسپرت در منزل). مورد اخیر، نمونه خوبی برای نشان دادن این موضوع است که چگونه «مصرف»، جایگزین «دارایی» می‌شود.

#### ۴-۵. پیامدها و نتایج

در هر جا انجام دادن یا انجام ندادن کاری، تعامل معینی در پاسخ به امر یا مسئله‌ای یا به منزله اداره یا حفظ موقعیتی از سوی فرد یا افرادی انتخاب شود، پیامدهایی پدید می‌آید (استراوس و کوربین، ۱۳۹۴، ۱۵۶-۱۵۲)؛ از این رو، این پرسش مطرح می‌شود که با توجه به مجموعه شرایط (علی، مداخله‌ای، و زمینه‌ای)، راهبردها و سیاست‌های ارتباطی اتخاذشده، چه پیامد و نتایجی در بر خواهند داشت.

جدول شماره (۵). پیامدها و نتایج مرزها و تردهای فرهنگی در شهر تهران

مقوله‌های اصلی	مقوله‌های فرعی	مقوله محوری (خوشه مقوله‌ها)
آسیب‌های فردی-اجتماعی و آنومی (ناپسامانی در تردد و مرزهای فرهنگی)	تعارض‌ها و آسیب‌های اجتماعی و فردی	پیامدها و نتایج مرزها و تردهای فرهنگی
	تعارض فرهنگی بین دولت و ملت	
	تنوع فرهنگی در آینده	
	الگوی فرهنگی لبنان	
	سنت‌زدایی و شرع‌زدایی در آینده	
	اخلاق محوری جایگزین سنت و دین	
	هژمونی سبک زندگی مدرن	
هژمونی سبک زندگی دینی و سنت	برگشت‌پذیری دین و سنت و تسلط آن	



همان‌گونه که یافته‌های جدول شماره (۵) نشان می‌دهند، راهبردهای ارتباطی و کنش متقابل افراد و گروه‌های سبک زندگی با یکدیگر، به دلیل وجود تفاوت‌های هویتی متعدد، با سه وضعیت ارتباطی بین کنشگران اجتماعی روبه‌رو هستیم یا خواهیم بود که عبارتند از: (۱) آنومی و تعارض (تعارض‌ها و آسیب‌های اجتماعی و فردی، تعارض فرهنگی بین دولت و ملت)؛ (۲) کثرت‌گرایی و چندفرهنگی شدن (تنوع فرهنگی در آینده، پیش‌بینی الگوی فرهنگی لبنان برای آینده جامعه ایران)؛ (۳) شکاف فرهنگی (هژمونی سبک زندگی مدرن (سنت‌زدایی و شرع‌زدایی در آینده و اخلاق‌محوری مدرن) یا هژمونی سبک زندگی دینی و سنت.

برخی از داده‌های پشتیبان مربوط به پیامدهای مرزبندی‌ها و ترددهای فرهنگی در جامعه شهری تهران به این شرح است: گروهی از مذهبی‌های متشروع که انقلابی نیز هستند (با نهادهای انقلابی مانند سپاه پاسداران، بسیج، و... در ارتباط هستند) و به لحاظ سیاسی در جناح‌بندی اصول‌گرایان دسته‌بندی می‌شوند؛ ضمن اینکه فضای فرهنگی فعلی جامعه را نامناسب می‌دانند و از این وضعیت، گلایه دارند و دغدغه‌مند آینده نیز هستند، اما به آینده خوش‌بین می‌باشند یا دست‌کم امیدوارند که این شرایط نامناسب فرهنگی، دین‌زدایی، و شرع‌زدایی، کم‌رنگ‌تر شود و شرایط به حالت عادی برگردد. خوش‌بینی و امیدواری این گروه، محصول چند عامل است؛ نخست اعتقادات دینی و امید به نصر الهی، دوم، امید به موفقیت سیاست‌های حاکمیتی؛ و سوم، داشتن اعتقاد راسخ به ماهیت انقلاب اسلامی که یک حرکت الهی است و سرانجام به مقصد خواهد رسید و این‌گونه نابهنجاری‌ها، کوچک و مقطعی هستند و در مقابل خروش حرکت انقلابی الهی، سر تعظیم فرود خواهند آورد. خانم فاطمه به‌عنوان یک مذهبی فعال در فرهنگ‌سازی دینی، ضمن اذعان به اینکه دین‌داران بسیار اندک هستند، می‌گوید: «تضاد ظاهری و عینی جامعه به یک جایی رسیده که برگشت کند... من به آینده خوش‌بین‌ترم... من احساس می‌کنم که جامعه خسته می‌شود از این مدل و وضعیت و به [آغوش دین و سنت] برمی‌گردد».

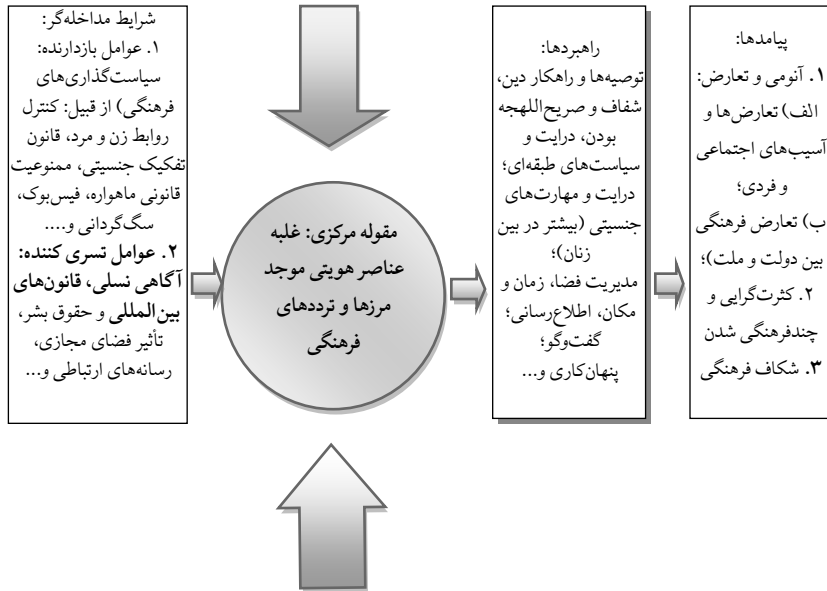
آقای محمد به‌عنوان یک مسجیدی و مرتبط با بسیج که دغدغه شریعت و دین دارد، راهکار را پیروزی اصول‌گرایان و بیرون کردن دولت از دست آن‌هایی می‌داند که [از نظر او] وابسته به خارج و بیگانگان هستند او می‌گوید: «[در حال حاضر] دولت اسلامی نداریم... قطعاً اگر یک دولت خوب بیاید سر کار، مذهبی‌ها همه [کمتر مذهبی و کاملاً مذهبی] این طرفند».



آقایان صادق و حمید، معتقدند که نباید نگران بود، زیرا ماهیت انقلاب اسلامی، خیلی عمیق و ناشناخته است. از نظر آن‌ها، ماهیت و اهداف انقلاب اسلامی ایران به این موارد جزئی ختم نمی‌شود، بلکه به دست صاحبش که امام زمان (عج) است، خواهد رسید و برای رسیدن به این مرحله، این موارد و مشکلات به سادگی حل می‌شوند و از سر راه برداشته خواهند شد.

خانم نسرين معتقد است: «این شکاف [بین مذهبی‌ها و غیر مذهبی‌ها] به وجود می‌آید [به ویژه] اگر به قشر مذهبی فشار وارد شود، زیرا حاکمیت، طرفدار این قشر است و زور از بالا اعمال می‌شود، در عین حال هم اکثریت، چیز دیگری می‌گویند و اتفاق توده‌ای از این سمت می‌افتد و ممکن است درگیری بین این دو گروه به وجود آید». در مقابل این سخنان، خانم آرمیتا معتقد است: «الآن هم [با مرزبندی‌ها روبه‌رو] هستیم، ولی خیلی نمود پیدا نمی‌کند، اما بدتر می‌شود، فکر می‌کنم آن‌هایی که می‌خواهند خیلی مذهبی باشند، در اقلیت قرار می‌گیرند». خانم زهره می‌گوید: «به نظر من [سبک زندگی فعلی مذهبی‌ها] یا تعدیل می‌شود و یا حذف می‌شود، ... کلیتی که من از جامعه می‌بینم، به سمت ... غیر مذهبی بودن بیشتر است تا به سمت مذهب». وی در مورد اینکه در تقابل یا تعامل گروه‌های سبک زندگی چه اتفاقی می‌افتد، می‌گوید: «به نظر من، پذیرش، بیشتر می‌شود و بیشتر شبیه همدیگر می‌شوند... اگر حکومت، جامعه را باز بگذارد، به حالت متعادل می‌رسد، مثل ترکیه که هر دو گروه هستند». خانم ملیحه نیز به طور ضمنی اشاره می‌کند که اگر مداخله حاکمیتی نباشد، «به نظر من خیلی راحت خود آدم‌ها می‌توانند درستش کنند». همچنین، خانم هانیه، مطرح کرد که برخی از افراد جامعه، تحت تأثیر تبلیغ رسانه‌های [داخلی مانند مسجد، سازمان‌های اسلامی، و نهادهای انقلابی] هستند و مرتب، جبهه می‌گیرند، اما «مردم عادی نه. در واقع، مردم سعی می‌کنند با هم تعامل کنند»، از نظر او، طرح «هفت هزار نفر گشت نامحسوس، نمونه‌ای از ناکارآمدی سیاست‌های فرهنگی است... مدلی که حکومت، تبلیغش را می‌کند، طرفدار ندارد. پس جامعه به سمت تنوع می‌رود». به بیان دیگر، «من فکر می‌کنم، نیاز آدم‌ها این قدر متفاوت بشود [که] مجبورن یک حد مشترکی را به عنوان عرف برای خودشان حفظ کنند... به نظر من، این اتفاق در مذهب و در همه چیز می‌افتد» (هدی).

زمینه‌های علی: موقعیت‌های هویتی (طبقه و پایگاه اجتماعی، قومیت، دین، سنت، مدرنیته) و محیطی (محل و محل سکونت، حوزه عمومی و حوزه خصوصی)



شکل شماره (۲). نظریه پایه‌ای برای مرزها و تردهای فرهنگی در میان گروه‌های سبک زندگی در شهر تهران

## بحث و نتیجه‌گیری

براساس داده‌های شکل شماره (۲)، هریک از شرایط سه‌گانه زمینه‌ای، زمینه‌های علی، و عوامل مداخله‌ای، با موقعیت‌های متفاوتی مانند تقابل ارزش‌های سنتی و تجددگرایی، تفاوت‌های نسلی، و تعارض بین سیاست‌های فرهنگی داخلی و سیاست‌های جهانی روبه‌رو هستند که هریک از آن‌ها به‌نوبه خود، موجب شکل‌گیری سبک‌های زندگی و هویت‌های فردی یا گروهی می‌شوند. موقعیت‌های سبک زندگی و هویتی یادشده، به‌مثابه چتری هستند که افراد در زیر آن قرار می‌گیرند و برحسب ابعاد کمی و کیفی هر چتر هویتی، دایره‌ای یا دایره‌هایی ترسیم می‌شوند که در درون یا میان آن‌ها خطوط تعاملی و ارتباطی بین افراد مشخص می‌شود؛ ازاین‌رو، با دایره‌های هویتی تو در تو روبه‌رو خواهیم بود که هریک حریم و گذرگاه خاصی را



برای تعامل افراد با یکدیگر به‌نمایش می‌گذارند. براساس شکل شماره (۱)، هرچه این دایره‌های ارتباطی، تنگ‌تر و هسته‌ای‌تر شوند، شدت مرزبندی، بیشتر و امکان تردد، کمتر می‌شود و هرچه بزرگ‌تر شوند، امکان تردد فرهنگی افزایش خواهد یافت. تعارض و تعدد هویت‌های چندگانه افراد از یک‌سو و ضرورت ارتباط و کنش گروه‌های سبک زندگی با یکدیگر از سوی دیگر، سبب می‌شود که کنشگران اجتماعی، راهبردهایی را برای تعامل با یکدیگر اتخاذ کنند.

مجموعه این راهبردها، یک الگوی مدیریت ارتباطی میان افراد جامعه ایران و به‌ویژه شهروندان تهرانی فراهم می‌کنند که به‌مثابه یک دیپلماسی ارتباطی درون‌ملی است. راهبردهای مورد نظر، از یک‌سو مرزهای ارتباطی را تعیین می‌کنند و از سوی دیگر، به‌کار گرفته می‌شوند تا از شدت مرزهای ارتباطی بکاهند، آن‌ها را تطیف کنند و امکان تردد فرهنگی را فراهم سازند. با وجود این، تعامل و کنش متقابل افراد و گروه‌های سبک زندگی در شهر تهران پیامدهای متفاوت و متعارضی دارند از جمله: (۱) بروز نابهنجاری و آسیب‌های اجتماعی (تعارض فردی و تعارض بین ملت و دولت)؛ (۲) شکل‌گیری یک جامعه متکثر و چندفرهنگی؛ (۳) شکاف فرهنگی. یافته‌های پشتیبان نشان می‌دهند که اکنون جامعه شهری تهران، شاهد بروز پیامد نخست است و دو پیامد دیگر، جهت‌گیری‌های آینده را نشان می‌دهند و بیشتر جنبه پیش‌بینی دارند. براساس شرایط علی و زمینه‌های مرزهای فرهنگی و مقوله مرکزی ارائه‌شده در شکل شماره (۲) می‌توان دو ادعا را مطرح کرد؛ نخست اینکه مرزهای اجتماعی مانند موقعیت طبقه اجتماعی افراد، همچنان نقش مهم و نخست را در شکل‌گیری مرزهای اجتماعی ایفا می‌کنند و دوم اینکه همان‌گونه که مفهوم مرکزی نشان می‌دهد، منازعه هویت‌های سه‌گانه (سنت، مدرنیته، و دین) و درنهایت، غلبه یکی از این هویت‌ها به‌عنوان دارنده نقش اصلی در شکل‌گیری سبک زندگی آنان، باعث شد که مرزهای فرهنگی‌ای مانند مرزهای عمودی، برجسته و پرنگ شوند. منازعه هویت‌ها و تعارض ماهوی آن‌ها با یکدیگر، مانع از این می‌شود که بتوان تنها از یک الگوی سبک زندگی مشخص در شهر تهران سخن گفت؛ از این رو، نه می‌توان گفتمان‌های «همه‌چیز خواری» و «انتخاب فردی» مورد نظر پترسون و گیدنز را پذیرفت و نه می‌توان آن‌ها را کاملاً رد کرد، زیرا دارندگان سبک زندگی متشعشع نه تنها به مصرف‌گرایی اهمیت نمی‌دهند، بلکه مصرف‌گرایی را ناپسند می‌دانند و از مصادیق آن، مانند





عمل‌های زیبایی، آرایش، کافی‌شاپ‌نشینی، و... دوری می‌کنند و کسانی که دارای سبک زندگی مدرن هستند در مصادیق اشاره‌شده جولان می‌دهند. همچنین، یافته‌های پشتیبان نشان دادند که همچنان مرزهای طبقاتی در شهر تهران، پررنگ و مقدم بر مؤلفه‌های دیگر است که به نوبه خود، مؤید نظریه بوردیو و طرفداران وی مبنی بر اهمیت نقش طبقه اجتماعی در تمایزگذاری‌های افراد است، اما به این دلیل که مصرف فرهنگی (تئاتر، سینما، موسیقی، و...) در شهر تهران پررنگ نیست یا دست‌کم از نظر متشرعان، هر نوع مصرف فرهنگی جایز نیست، نمی‌توان قائل به انطباق نظریه بوردیو در شهر تهران به صورت کلی بود. نتیجه اینکه نظام تمایزگذاری و تعامل اجتماعی در شهر تهران، مبتنی بر چندگانگی هویتی و ترکیب هویتی است؛ از این رو، گفتمان‌های موجود درباره تمایز و تعامل اجتماعی، در جامعه‌ای مانند ایران و به ویژه در کلان‌شهر تهران، نه کاملاً تأیید و نه کاملاً رد می‌شوند، بلکه تابع غلبه یکی از عناصر هویتی یا ترکیب عناصر هویتی ایرانیان است که در قالب مفهوم مرکزی این مقاله، قابل تحلیل و تفسیر می‌باشد.



## منابع

- آزاد ارملی، تقی؛ و شالچی، وحید (۱۳۸۴). دو جهان ایرانی: مسجد و کافی شاپ. مطالعات فرهنگی و ارتباطات، ۱۶۳-۱۸۳، (۴)، ۱۶۳-۱۸۳.
- آزادارملی، تقی؛ شریفی ساعی، محمدحسین؛ ایشاری، مریم؛ و طالبی، سحر (۱۳۹۱). هم خانگی، پیدایش شکل های جدید خانواده در تهران. جامعه پژوهی فرهنگی، ۱(۱)، ۴۳-۷۷.
- استراوس، انسلم؛ و کرین، جولیت (۱۳۹۰). مبانی پژوهش کیفی: فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای (مترجم: ابراهیم افشار). تهران: نشر نی. (تاریخ اصل اثر: ۱۹۹۰).
- اشرفی، اکبر (۱۳۸۷). مسأله هویت ایرانی در ایران معاصر. مطالعات سیاسی، ۱، ۱۲۰-۱۰۵.
- انصاری، ابراهیم (۱۳۷۸). نظریه‌های قشربندی اجتماعی و ساختار تاریخی آن در ایران. اصفهان: دانشگاه اصفهان.
- بابایی فرد، اسدالله (۱۳۹۲). بحران هویت در جامعه معاصر ایران: رویکردی تاریخی، تجربی. تهران: انتشارات چاپخش.
- باومن، زیگموند؛ و می، تیم (۱۳۹۰). جامعه‌شناسی کاربردی در زندگی روزمره (مترجم: راضیه خزاعی). تهران: لوح فکر. (تاریخ اصل اثر: ۱۹۹۸).
- بحرانی، محمدحسین (۱۳۸۸). طبقه متوسط و تحولات سیاسی در ایران معاصر (۱۳۸۰-۱۳۲۰): پژوهشی در گفتمان‌های سیاسی قشرهای میانی ایران. تهران: مؤسسه انتشارات آگاه.
- برک، ژاک (۱۳۹۰). هویت جمعی چیست؟. در: هویت جمعی: شناسایی مصادیق فرهنگ (مترجم: جلال ستاری، صص ۲۱-۳). نشر مرکز، تهران، ایران. (تاریخ اصل اثر ۱۹۷۰)
- بهداد، سهراب؛ و نعمانی، فرهاد (۱۳۸۹). سی سال جابجایی طبقات اجتماعی در ایران. گفتگو، ۵۵، ۵۴-۱۷.
- بوردیو، پی‌یر (۱۳۹۳). تمایز: نقد اجتماعی قضاوت‌های ذوقی (مترجم: حسن چاوشیان). تهران: ثالث. (تاریخ اصل اثر: ۱۹۸۴).
- جمشیدیه‌ها، غلامرضا؛ و فولادیان، مجید (۱۳۹۰). بررسی تحولات فرهنگ عمومی در ایران بر اساس تحلیل نام‌گذاری. فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات، ۷(۲۴)، ۶۴-۳۹.
- چاکسی، جمشید (۱۳۹۰). تحلیل عقاید و اعمال (پاکی و نجسی در زرتشت). در: مردم‌شناسی اجتماعات دینی (مترجم: عبدالله گیویان، صص ۴۵۵-۴۷۹). تهران: دانشگاه امام صادق (ع). (تاریخ اصل اثر، ۱۹۸۹)
- خواجه نوری، بیژن؛ روحانی، علی؛ و هاشمی، سمیه (۱۳۹۱). گرایش به حجاب و سبک‌های متفاوت زندگی (مطالعه موردی: زنان شهر شیراز). جامعه‌شناسی کاربردی، ۲۳(۳)، ۱۶۶-۱۴۱.
- رسولی، محمدرضا؛ و بی‌بک آبادی، غزال (۱۳۹۰). بررسی مؤلفه‌های سبک زندگی در فیلم‌های سینمایی دهه ۶۰، ۷۰ و ۸۰ سینمای ایران. مطالعات فرهنگی و ارتباطات، ۷(۲۵)، ۹۷-۱۲۶.



رفیع پور، فرامرز (۱۳۸۳). عناصر زیربنایی جامعه ایران: نظام ایلی، دولت ستیزی و ساختار فئودال. شناخت، ۴۱ و ۴۲، ۳۷-۵۲.

رهبری، مهدی (۱۳۸۵). معرفت و قدرت: هویت یگانه و یا چندگانگی هویتی. فصلنامه پژوهشنامه علوم سیاسی، (۳)، ۷۳-۹۸.

زکی، محمدعلی (۱۳۸۷). ارزش‌های فرهنگی، الگوهای اجتماعی، فاصله اجتماعی. مجله رشد آموزش علوم اجتماعی، ۴۰، ۴۲-۵۱.

شهابی، محمود (۱۳۸۶). سبک‌های زندگی جهان وطنانه در میان جوانان ایرانی و دلالت‌های سیاسی آن. در: الگوهای سبک زندگی ایرانیان (رضا صالحی، به اهتمام گروه پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی مرکز تحقیقات استراتژیک)، مجمع تشخیص مصلحت نظام، مرکز تحقیقات استراتژیک، تهران، ایران.

شهابی، محمود؛ و جهانگردی، مجتبی (۱۳۸۷). خاستگاه اجتماعی الگوهای استفاده از تلویزیون‌های ماهواره‌ای فارسی زبان در میان مخاطبان تهرانی. تحقیقات فرهنگی، (۲)، ۲۳-۵۵. doi: 10.7508/ijcr.2008.02.002

کالهن، کریج (۱۳۸۹). نظریه اجتماعی و سیاست هویت (مترجم: محمد قلی‌پور، و علی محمدزاده). تهران: جامعه‌شناسان. (تاریخ اصل اثر: ۱۹۹۴).

کرسول، جان. دبلیو (۱۳۹۱). طرح پژوهش: رویکردهای کمی، کیفی و شیوه ترکیبی (مترجم: حسن دانایی فرد و علی صالحی). تهران: کتاب مهربان نشر. (تاریخ اصل اثر ۲۰۰۹)

کشاوری، بهمن (۱۳۹۰). جایگاه و نقش نیروها و طبقات اجتماعی در ایران (۱۳۸۰-۱۳۶۰). فصلنامه سیاست، (۳)، ۲۶۳-۲۴۷.

گلچین، مسعود؛ صفری، سعید (۱۳۹۶). کلان‌شهر تهران و ظهور نشانه‌های الگوی تازه‌ای از روابط زن و مرد، مطالعه زمینه‌ها، فرایند و پیامدهای هم‌خانگی. فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران، (۱)، ۱۰-۵۷. doi: 10.22631/ijcr.2017.332

لالر، استف (۱۳۹۳). هویت: دیدگاه‌های جامعه‌شناختی (مترجم: مهناز فرهمند). تهران: جامعه‌شناسان. (تاریخ اصل اثر ۲۰۰۸)

لنسکی، گرهارد؛ و لنسکی، جین (۱۳۷۴). سیر جوامع بشری (مترجم: ناصر موفقیان). تهران: انتشارات علمی و فرهنگی. (تاریخ اصل اثر ۱۹۸۷)

نایی، هوشنگ؛ و محمدی تلور، ستار (۱۳۹۲). تأثیر سبک زندگی بر هویت اجتماعی (مطالعه تجربی جوانان شهر سنندج). مجله جامعه‌شناسی ایران، (۴)، ۱۴-۱۳۱.

وبر، ماکس (۱۳۷۳). اخلاق پروتستانی و روح سرمایه‌داری (مترجم: عبدالکریم رشیدیان، و پریسا منوچهر کاشانی). تهران: انتشارات علمی و فرهنگی. (تاریخ اصل اثر ۱۹۸۵)



وبر، ماکس (۱۳۸۴). اقتصاد و جامعه (مترجم: عباس منوچهری، مهرداد ترابی نژاد، و مصطفی عمادزاده). تهران: سمت. (تاریخ اصل اثر ۱۹۶۸)

- Bashkow, I. (2004). A Neo-Boasian conception of cultural boundaries. *American anthropologist*, 106(3), 443-458. doi: 10.1525/aa.2004.106.3.443
- Berghman, M., & Van Eijck, K. (2009). Visual arts appreciation patterns: Crossing horizontal and vertical boundaries within the cultural hierarchy. *Poetics*, 37(4), 348-365.
- Bogardus, E. S. (1933). A social distance scale. *Sociology and Social Research*, 17, 265-271.
- Bogardus, E. S. (1968). Comparing racial distance in Ethiopia, South Africa, and the United States. *Sociology and Social Research*, 52, 149-156.
- Edgell, P., Gerteis, J., & Hartmann, D. (2006). A theists as "Other": Moral boundaries and cultural membership in American society. *American Sociological Review*, 71(2), 211-234.
- Hofstede, G. (1983). The cultural relativity of organizational practices and theories. *Journal of International Business Studies*, 14(2), 75-89.
- Kecskes, I. (2004). Lexical merging, conceptual blending and cultural crossing. *Intercultural Pragmatics*, 1(1), 1-21.
- Lamont, M., & Molnár, V. (2002). The study of boundaries in the social sciences. *Annual review of sociology*, 28(1), 167-195
- Peterson, R. A. (2005). Problems in comparative research: The example of omnivorousness. *Poetics*, 33(5-6), 257-282.
- Sari, E. (2010). The construction of cultural boundaries and identities in intercultural communication: The case of mardin as a multicultural city. *Ankara Üniversitesi Sosyal Bilimler Enstitüsü Dergisi*, 1(2), 37-62.
- Southerton, D. (2002). Boundaries of Us' and Them': Class, mobility and identification in a new town. *Sociology*, 36(1), 171-193.
- Tilly, C. (2003). Political identities in changing polities. *Social Research: An International Quarterly*, 70(2), 605-619.
- Wolff, J. (1999). Cultural studies and the sociology of culture. *Contemporary Sociology*, 28(5), 499-507.



فصلنامه علمی - پژوهشی

۱۶۰

دوره ۱۱، شماره ۲  
تابستان ۱۳۹۷  
پیاپی ۴۲